



حق من نامردی کند. بعد از آن روز تعقیبش کردم طوری که خودش هم متوجه نشد و توانستم آدرس آن زن غریبه را به دست بیاورم و او نامش فریده بود سرافراش رفته و وقتی می خواستم زنگ خانها را بزنگم دستانم به لرزه افتاد به خودم گفتم چه بگویم اینکه ششورم قدر مرا ندانسته و سراغ زن دیگری رفته دستم را مشت کردم و درحالیکه به زور خودم را کنترل کرده بودم از زنگ زدن منصرف شدم و پیاده به اینجا آمدم تا دربارها مشکلم از شما کمک بگیرم.

تو ام بانوازش در بعد جنسی و عاطفی بانفرسوم تعریف می شود که تعهد رابطه زناشویی را نقض کند و با رنج های عاطفی در همسر خیانت دیده همراه باشد. در واقع خیانت زناشویی داشتن رابطه پنهانی (واقعی یا مجازی) با فردی غیر از همسر و شریک قانونی زندگی است. اصلی ترین زمینه سازهای بروز این آسیب عبارتند از: تنوع طلبی جنسی و عاطفی، ارضای نیازهای فیزیولوژیکی، ضعف در ایمان و اعتقادات مذهبی بازدارنده، طرحواره های ناسازگار اولیه بویژه در بعد عاطفی و جنسی. این آسیب کار کردی زمانی که اتفاق می افتد زمینه را برای بروز گستره ای از مشکلات درون فردی، بین فردی و محیطی در زوجین ایجاد می کند و منجر به بروز خلل



دیگر پیمان را دیدم، مردی آرام به یک دیگ پر از آب جوش تبدیل شده بود که هر لحظه امکان انفجار وجود داشت. او حتی قید بچه را هم زد و خیلی زودتر از آنچه که تصور می کردم، با دادن مهریه، طلاقم را داد و به خانه پدری ام برگشتم. هر بار با او تماس می گرفتم تا بخواهم به خاطر بچه که تازه بیاید، یک جمله می شنیدم: «تو من را زود همه شکستی و تحقیرم کردی!» بعد از ۶ ماه تماس توانستم پیمان را ارضای کنم که عذرخواهی ام را بپذیرد، حدود ۸ سالی است که در کنار هم زندگی خوبی داریم و پیمان توانسته پله های ترقی را یکی پس از دیگری طی کند. هر وقت از او می پرسند رمز موفقیت تو چیست؟! جوابی نمی دهد جز اینکه بگوید: حمایت هایم همسرم!!

خیانت مرد ۶۵ ساله زنش را به کلانتری کشاند؛

سرپیری و معرکه گیری!

ماجرای از وقتی شروع شد که مدتی بود ایرج بیشتر از قبل سرش به گوشه اش گرم بود من هم زیاد به او گیر نمی دادم و در ذهنم می گفتم حوصله اش سر نمی رود و عیبی ندارد با این کار سرش گرم می شود. او ۱۰ سالگی بود که خودش را باز نشسته کرده بود قبلا در یک کاراژ مشغول کار بود و بیشتر روزها چند ساعتی به پارک می رفت و با دوستانش دورهمی داشتند. ماجرا از وقتی شروع شد که ایرج به حمام رفته بود من که در حال درست کردن مریابوم با صدای زنگ تلفن ایرج به اتاق پذیرایی رفته هر چه گشتم گوشی را پیدا نکردم و گوشی بی صدا شد و باز زنگ خورد که با تعقیب صدای زنگ گوشی آن را در زیر نشیمن کاناپه پیدا کردم اسمعی روی گوشی نبود گوشی را جواب دادم قبل از آنکه صحبت کنم زنی ناشناس ایرج را با نامش صدا کرد و به او گفت ایرج چرا جواب نمی دهی؟ کی میایی؟ من که این جمله را شنیدم دست و پاهایم لرزید زود گوشی را قطع کردم و وقتی به پیام های این زنگ وارد شدم دیدم که او و شوهرم پیام های عاشقانه ای به هم داده اند پیام هایی که تاکنون در این چهل و نهم سال هیچ وقت از زبان شوهرم نشنیدم. دلم می خواست دیگر نباشم در یک لحظه همه خاطرات و گرفتاری های ایرج که چه بلاهایی سرم او در در مقابل

گروه حوادث - سکوت کردم و دیگر نمی توانم هم صحبت کسی شوم که بعد از ۴۲ سال به من خیانت کرده است... کلافه ام و دلم با خودم در تنهایی حرف می زنم. زن ۵۸ ساله وقتی وارد اتاق شد فکر می کردم احتمالا درباره فرزندانش نیاز به مشاوره دارد اما وقتی لب به سخن گشود چشمانش پشت عینکی که روی صورتش بود پر از اشک شد و گفت: من ۴۲ سال است که ازدواج کردم و همه سختی ها و نامالایمات زندگی را با شوهرم ایرج تحمل کردم که حاصل این ازدواج ۳ دختر و ۲ پسر بوده که الان ۶ نوه دارم و همه فرزندانش ازدواج کردند و زندگی خوبی دارند.

خیانت مرد ۶۵ ساله به زنش

من امروز اینجا آمدم تا دربارها خیانت شوهر ۶۵ ساله خودم را بگویم. راستش را بخواهید اصلا نمی توانستم این درد بزرگ را به فرزندانش بگویم حسن می کردم با این کار عزت و بزرگی شوهرم نزد فرزندانش از بین می رود. من ۱۴ ساله بودم که ایرج پسر همسایه دیوار به دیوار مان همراه مادرش به خواستگاری آمدند. پس از یک سال نامزدی با او ازدواج کردم و بعد از ازدواج هم با سختی زیاد درس ام را ادامه دادم تا اینکه در رشته پرستاری قبول شدم با تمان سختی ها من ایرج را دوست داشتم.

در دسر از دواج با دختر توهمی!

می خواستم روی پای خودم بایستم به خاطر همین با جدیت درس می خواندم و پس از دوره دانشگاه شرکتی پیدا شد و پذیرفت در آنجا حسابدار باشم. مدیر عامل شرکت یکی از هم دانشگاهی هایم بود که سلام و احوالپرسی گرمی با هم داشتیم و چهار سال می شد دو را دور پیمان را می شناختم، او وقتی شنیدم در آزمون پذیرش شرکت نمره خوبی آورده ام از بین چهار رقیب دیگر، من را استخدام کرد و خلاصه از همان روز نخست من نسبت به او دید خوبی پیدا کردم. هنوز یک سال نشده بود که رئیس هیأت مدیره شرکت که پیر مرد مهربانی بود، از من خواست به دفتر کارش بروم، در آنجا وقتی شنیدم پیمان به خاطر نداشتن پدر از او خواسته تا من را برایش خواستگاری کند، حجب و حیای او را ستایش کردم و از خدا خواسته پذیرفتم با این مدیرعامل مؤدب ازدواج کنم. چه روزهای شیرینی بود، ماه عسل در دوی همیشه برایم ماندگار است، پیمان مهربان و دلشین و من را بدون تعارفات دوست داشتم و آن را بارها به زبانش آورد. من از اینکه چنین ازدواج موفقی داشتم، راضی بودم و بین دوستانم فخر می فروختم، بارها از زبان دوستان، فامیل و همکارانم شنیده بودم که حسرت داشتن شوهری مثل پیمان را می خورند. همین تعریف ها بود که من را مقداری روی پیمان حساس کرد. تا اینکه ۹ ماه انتظار گذشت و هدیه کوچولو به دنیا آمد، ناچار

گروه حوادث - هر وقت می دیدم مصادف به دیر آمدن یا بی خبر بودن از پدرم، گیر می داد، خنده ام می گرفت، با حسن مرد زحمتکشی بود و هر روز خسته و با چشمان سرخ شده از سر کار به خانه می آمد. البته این پایان کار نبود، او برای اینکه خرجی زندگی مان لنگ نماند، شب ها هم در خانه کار می کرد، وقتی می خوایدم ساعت ها چراغ خانه روشن بود و او به صحافی کتاب ها می پرداخت. کار سختی بود، می دیدم که همیشه حسرت یک ساعت خواب بیشتری را دارد، اما مادرم با گله و شکایت هایم واقعا بی انصافی می کرد. - کجا بودی؟ چرا تا الان در اداره بودی؟ برو همان جایی که بودی شام بخور و... زن، اضافه کاری می گیرم تا شرمند شما نباشم و... حرف هایی می پرسیدم واقعا به پدرم شک دارد، می خندید و می گفت: پاک تر از این مرد، سراغ ندارم، آقا است! نمی دانم مرض بود که نمی گذاشت آب خوش از گلوئی این شوهر پاک با این برود. وقتی به سن جوانی رسیدم، پدرم موسفید و مادرم غرغرو شده بود، پیر مرد فقط می خندید، زودتر از آنچه که باید پزمرده شده بود. خواستگاره ها باشند در خانه را شکسته بودند، اما من

شدم خانه نشین شوم و همین مدت نگهداری از هدیه کافی بودن که دیگر علاقه ای به کار در خارج از خانه نداشته باشم. هنوز دخترم یک ساله نشده بود که به رفت و آمدهای پیمان حساس شدم. ابتدا خنده ام گرفت و به یاد مادرم افتادم اما می دانستم خیلی چشمه ها در تعقیب زندگی من و شوهرم است، به خاطر همین ترسیدم و به او گیر دادم. پیمان ابتدا تصور کرد شوخی می کنم اما جلدی بود، هر شب که به خانه می آمد کل لباس هایش را بازرسی کرده و به می کشیدم تا ببینم تار مویی، اداکلن زانه ای یا این جور چیزها روی لباس هایش اثری نداشته باشد. این هم کافی نبود هر وقت در خانه بودن و به خاطر کار با او تماس می گرفتند فال گوش می ایستادم تا ببینم او با چه کسانی حرف می زند و اگر صدای زانه ای بود، قشقرق به پا می کردم. پیمان بارها خواسته بود به یاد اداره بیفتم که او مدام با همکاران زن به خاطر کار حرف می زد و هیچ ایرادی نداشت اما گوش هایم بدهکار این حرفها نبود از او خواستم تماس ها را قطع کند و اگر جلسه ای شبانه دارد عذرخواهی کند و بی خیال شود. چند باری این کار را کردی موقعیش به خاطر افتاد اما من از خر شیطان پایین نیامدم تا اینکه دست به ابتکار تازه ای زدم. وقتی پیمان به خانه می آمد، موبایلش را برداشته و زیر دست خودم

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

اصل قرارداد واگذاری زمین بصورت قطعی به شماره ۹۶/ق/۶۵ مورخ ۱۳۹۶/۲/۱۶ با شماره تفکیکی ۵۴۷ واقع در جزیره کیش، شهرک میرمهنا، فاز F3 با کاربری مسکونی، به مساحت ۳۴۲ متر مربع فی مابین شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش و سرکار خانم زهرا زیارتی نصر آبادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

اصل پروانه ساختمانی مربوط به یک قطعه زمین به مساحت ۳۴۲ متر مربع به شماره تفکیکی ۵۴۷ واقع در جزیره کیش، شهرک میرمهنا فاز F3 با کاربری مسکونی، موضوع قرارداد شماره ۹۶/ق/۶۵ مورخ ۱۳۹۶/۰۲/۱۶ فی مابین شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش و خانم زهرا زیارتی نصر آبادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

خدمات

خدمات برق
انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

درب های اتوماتیک
دارکوب
۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲

حمل کالا

حمل و جابجایی کالا
با ۶ چرخ در سطح جزیره
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۳۹۱۰

خشکشویی

خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با پیک تحویل آدرس: مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش ۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ - ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸
با مدیریت عسکری

مبل شویی

مبل شویی سیار
شستشوی مبل صندلی تشک موکت فرش
با بهترین کیفیت و نازل ترین قیمت در اسرع وقت
۰۹۳۸۲۸۰۲۲۹۳
۰۹۱۷۴۵۷۹۱۱۰

استخدام

یک شرکت معتبر جهت تکمیل کادر مالی واداری خود نیازمند یک نیروی حسابداری وهمچنین یک نفر نیرو در زمینه امور اداری ودفتری می باشد. در صورت تمایل به آدرس ذیل مراجعه فرمایید. خیابان سنایی جنب سازمان تامین اجتماعی برج اداری درسا پلاک B0135 طبقه سوم غربی واحد ۶
۳ - ۰۷۶۴۴۴۳۳۵۲
۰۹۳۴۷۶۹۸۱۷۳

دعوت به همکاری
از کارمند اداری خانم آشنا به فعالیت در دفاتر شرکت های بیمه دعوت به همکاری می شود.
تماس ۴۴۴۲۰۲۸۴

استخدام منشی عصر ساکن کیش
یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت عصر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۳۳۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۳ تا ۹ شب

صنایع چوب - حلاج کیش - کلیه سفارشات

تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲۰

MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل